

واکاوی متون مشترک حدیثی در منابع فریقین

سید محمد حسن حکیم*

چکیده

قرآن و سنت در مباحث اسلامی محور اساسی اندیشه و علم را تشکیل می‌دهد. همگام سازی اندیشه‌های دین مداران در این دو حوزه از اهمیت و تأثیر بالایی برخوردار است. در حوزه قرآن کریم و جایگاه متمایز آن در اندیشه تقریب میان اندیشمندان اسلامی بحث‌های بسیار ارائه شده است، اما به حوزه حدیث شاید کمتر توجه شده است. حال آن که حدیث به عنوان دومین رکن اساسی اندیشه اسلامی جدای از اهمیت ویژه از قابلیت‌های بالایی در این حوزه برخوردار است. این مختصر به پی جویی حوزه‌ای از حدیث که کمتر مورد دید عموم قرار می‌گیرد؛ یعنی «متون مشترک حدیثی» پرداخته تا با تبلور آن، جایگاه، نقش و کارکرد حدیث در مباحث تقریب جدی‌تر دیده شود. در این تحقیق، تحلیل متون مشترک حدیثی، انواع متون مشترک، جایگاه آن، و تأثیرات شگرف این متون در حوزه تقریب و بالاتر از آن، در پیشبرد اندیشه اسلامی مورد دقت قرار گرفته است. کلید واژه: نصوص مشترک، متون مشترک، احادیث مشترک.

درآمد

کشف راه‌های ایجاد و تقویت ارتباطات علمی و فرهنگی میان مذاهب و اندیشمندان مسلمان از فرایض اساسی و امور مهم در فضای اندیشه‌ای معاصر و در حوزه اندیشه دینی است. مذاهب اسلامی با داشتن کتاب واحد، قرآن کریم، و آثار مشترک بی‌شمار، قابلیت‌های بی‌نهایتی را برای اتحاد و هم‌اندیشی پیش رو دارند. آنچه امروزه در حوزه اندیشه، همت دانشمندان علوم دین را به خود جلب می‌نماید،

* پژوهشگر پژوهشکده علوم و معارف حدیث.

کشف پایه‌های اساسی و مهم بسترسازی برای این رویکرد و برنامه ریزی صحیح در جهت پیشبرد آن است.

پس از قرآن کریم - که کتاب واحد و مصدر اساسی اندیشه اسلامی برای تمامی فرق اسلامی به حساب می‌آید - حدیث و علوم مرتبط با آن، از اهمیت بی بدیلی برخوردار است.

اما در این حوزه تلاش در مسیر اتحاد اندیشه‌ها و هم‌اندیشی اندیشمندان اسلامی و متخصصان حوزه‌های مرتبط با دانش حدیث، کمتر صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که شاید بتوان گفت: این حوزه اندیشه‌ای بیش از دیگر فضاها، فکری، نیاز به کار و تلاش برای ایجاد و پی‌گیری اندیشه‌ای «تقریبی» را می‌طلبد.

نبود کارهای جدی در حوزه حدیث با هدف‌گذاری «تقریب مذاهب اسلامی» موجب آن شده است که این عرصه مسیر قهقرایی خود را به گونه‌ای سپری کند که نه تنها موجب هم‌گرایی و اتحاد اندیشه‌های فرق اسلامی نگردد، بلکه به عنوان یکی از سرچشمه‌های اختلاف میان اندیشمندان اسلامی عرض اندام نماید.

اختلاف در طُرُق دست‌یابی به نصوص معتبر - پس از قرآن کریم که متواتر و مورد اتفاق همه مسلمین است - یکی از زمینه‌های جدی بروز اختلافات مذهبی در حوزه حدیث است؛ چراکه هر فرقه به طرق خود برای وصول به متون معتبر تمسک کرده و طرق فرقه‌های دیگر را طرد نموده و نمی‌پذیرد!^۱

از یک سو امامیه طریق اهل بیت: و اصحاب ایشان را معیار قرار داده و طرق حدیثی اهل سنت را غیر معتبر می‌شمارند، چنان که در مقام طعن یک راوی «عامی» بودن را به عنوان عامل تضعیف او بر می‌شمارند.^۲

از سوی دیگر، اهل سنت نیز به اقوال و نقل‌های صحابه و شاگردان ایشان

۱. البته تذکر این نکته لازم است که این مقاله به دنبال اثبات بی پایه بودن این نوع اندیشه‌ها و توهمی بودن بسیاری از پیش فرض‌های موجب اختلاف است و مستندات آن در صفحات بعد تبیین می‌گردد.

۲. موارد آن بسیار زیاد است، اما به عنوان نمونه رک: رجال النجاشی، ص ۱۴۶: «حبیش بن مبشر أخو جعفر بن مبشر أبو عبد الله كان من أصحابنا، و روی من أحادیث العامة فأكثر»؛ الفهرست للطوسی، ص ۲۵۶، شماره ۳۰۷۷۹: «وهب بن وهب، أبو البختري، عامي المذهب، ضعيف»؛ رجال ابن الغضائري، ص ۱۰۰، شماره ۱۰۱۵۱: «وهب بن وهب بن عبد الله بن زمعة بن الأسود بن المطلب بن عبد العزى، أبو البختري، القاضى. كذاب، عامي»؛ خلاصة الأقوال، ص ۳۲۴، شماره ۲۴: «أحمد بن عبد الله الأصفهاني الحافظ أبو نعيم - بالنون المضمومة. قال شيخنا محمد بن علي بن شهر آشوب انه عامي» و ص ۳۶۵، شماره ۱۱: «علي بن محمد المدائني، عامي المذهب...»

بسندۀ نموده‌اند و خود را بی‌نیاز از طرق حدیثی شیعه انگاشته و ایشان را اهل فتوا و نظر تصور نموده‌اند تا بدانجا که ترک حدیث و عدم التزام به آن را در قدح ایشان بیان کرده‌اند؟! چنان که ذهبی در توصیف ائمه شیعه: در مقام نقل حدیث این گونه می‌نویسد:

ولیس هو بالمکثر، هو فی الروایة کأبیه وابنه جعفر، ثلاثهم لا یبلغ حدیث کل واحد منهم جزءاً ضحماً، ولكن لهم مسائل وفتاوی.^۳
[امام باقر (ع)] چندان نقل حدیث ننموده است؛ مانند پدرش [امام سجاد (ع)] و فرزندش امام جعفر صادق (ع)، چنان که اگر احادیث هر کدام از ایشان جمع‌آوری گردد، یک مجلد حجیم نخواهد شد، اما از ایشان مسائل و فتاوا [زیاد] نقل شده است.

و بسیاری مباحث دیگر که ممل است و ثمرات آن بسیار کم...
اما حقیقت، آن است که کشف راه‌های صحیح، برای دفع توهمات رایج و ایجاد بستر مناسب برای بحث اندیشمندان اسلامی در حوزه حدیث امری لازم و نیازی معاصر است که به نظر می‌رسد با امکانات موجود دست‌یابی به آن بسیار آسان بوده و ثمراتی بی‌شمار را در پی خواهد داشت.

نصوص مشترک و بسترسازی تقریب

یکی از زمینه‌های اساسی که قابلیت پاسخ‌گویی به این نیاز را دارد، محور مهم کشف مشترکات حدیثی میان فرق و مذاهب اسلامی است. بررسی منابع حدیثی اسلامی وجود نصوص و متون مشترک در میان جمیع فرق و مذاهب را به خوبی نمایان می‌سازد. البته این مطلب، برخلاف تصور رایج، چنان واضح و روشن می‌نماید که با اندک توجه به منشأ شکل‌گیری نصوص و احادیث در میان مسلمین به خوبی روشن می‌گردد؛ چنان که حتی بدون مراجعه به منابع حدیثی نیز می‌توان آن را حدس زد.

وجود منشأ واحد در صدور متون حدیثی گواه صدق این معناست؛ چرا که از نگاه مبنایی، مرجع نقل صحابه و تابعان و حتی اقوال و فتاوی ایشان نیز، اقوال و افعال رسول مکرم اسلام (ص) است.^۴ این در حالی است که امامان معصوم شیعه: نیز کلام خود را نقل

۳. سیر أعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۱.

۴. در میان متون اهل سنت نصوص بسیاری وجود دارد که به عنوان قول صحابی نقل شده است، اما همان متن از همان راوی در منابع ایشان به نقل از پیامبر اکرم (ص) وارد شده است. این امر گواه صدق برای این مدعا محسوب

تام و بیان صدق اقوال و افعال نبی مکرم اسلام ﷺ دانسته و به تأکید و تبیین آن پرداخته‌اند و در جواب امثال «ذهبی» این حقیقت را گوشزد نموده‌اند؛ چنان که امام صادق علیه السلام در جواب سائلی این گونه می‌فرمایند:

علي، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن قتيبة قال: سأل رجل أبا عبد الله عليه السلام مسألة فأجابه فيها، فقال الرجل: أ رأيت إن كان كذا وكذا ما يكون القول فيها؟ فقال له: مه ما أجبتك فيه من شيء فهو عن رسول الله ﷺ لسنا من «أ رأيت» في شيء؛^٥
... ساکت باش آنچه به تو جواب گفتم [تماماً] از رسول خدا ﷺ بود. ما [اهل بیت] از کسانی نیستیم که نظرات شخصی خود را در مسائل داخل می‌کنند.

و چنان که در حدیثی هشام بن سالم، حماد بن عثمان و برخی دیگر از امام صادق علیه السلام شنیده و نقل کرده‌اند، امام علیه السلام فرموده‌اند:

علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن أحمد بن محمد، عن عمر بن عبد العزيز، عن هشام بن سالم و حماد بن عثمان وغيره قالوا: سمعنا أبا عبد الله عليه السلام يقول: حدیثی حدیثی أبي، و حدیثی أبي حدیثی جدی، و حدیثی جدی حدیثی الحسين، و حدیثی الحسين حدیثی الحسن، و حدیثی الحسن حدیثی أمير المؤمنين عليه السلام و حدیثی أمير المؤمنين، حدیثی رسول الله ﷺ و حدیثی رسول الله ﷺ قول الله عز وجل.^٦

اگر چه کج سلیقگی‌های رایج در میان برخی اندیشمندان و ناقدان، اسباب بعید نمایاندن این تصور و نادیده انگاری این مجموعه عظیم در مسیر سلیم اندیشه اسلامی شده است، اما حقیقت این است که وجود و تکاثر نصوص همخوان در چنین فضایی، اصل اساسی و محوری منابع حدیثی است، مگر در مواردی که دخالت شرایط سیاسی و حاکمیت‌های جائر در تدوین برخی منابع حدیثی نقش اختلاف افکنانه و تحریف‌گونه خود را نمایان می‌سازد.

بررسی و نقد کارهای صورت گرفته

با وجود اهمیت غیر قابل انکار چنین مباحثی، متأسفانه کارهای اندکی در

می‌گردد؛ به عنوان نمونه در سنن دارقطنی، ج ۱، ص ۷۶، ح ۲۳۱ و ح ۲۳۹؛ سنن البیهقی، ج ۱، ص ۱۱ - ۱۲ متنی از ابن عباس به نقل از پیامبر اکرم ﷺ آمده که فرموده‌اند: النبیز وضوء لمن لم يجد الماء. همین متن در سنن دارقطنی در حدیث ۲۳۸ بدون استناد به پیامبر اکرم ﷺ و به نقل از ابن عباس آمده است. از همین دست است، روایت: ان الماء لا ینجسه شیء و...

۵. الکافی، ج ۱، ص ۵۸، ح ۲۱.

۶. همان، ج ۱، ص ۵۳، ح ۱۴.

این خصوص صورت گرفته و کارهای انجام شده نیز از نقایص و اشکالات فراوان برخوردار است.

برخی از کارهای صورت گرفته، در عین اهمیت و حفظ پیشگامی برای صاحبان آنها، بیش از آن که متون یا احادیث مشترک را موضوع پژوهش خود قرار دهد، و به جمع آوری و تنظیم این متون بپردازد، با کشف موضوعات مشترک، و نصوص متفاوت، از فریقین هماهنگی بیشتری دارد و توجه به متون مشترک^۷ در آن کمتر به چشم می خورد.

اگر چه کشف موضوعات مشترک و تلاش برای ارائه مباحث در بستری واحد و در اختیار قرار دادن آن، در فضای اندیشه ای اسلام، خدمتی بزرگ به دانشمندان و متفکرین اسلامی است، اما این مطلب آن قدر هم دیرپاب نیست که کار و تلاشی این چنین مطالبه نماید و مسیر تحقیقات را به سوی خود جذب نماید.

صد افسوس که به دلیل نبود تخصص های ویژه در تحقیق نصوص، در بسیاری از موارد اکتفای به منابع واسطه و یا منابع ضعیف و غیر قابل پذیرش، موجب عدم اتقان کافی کار شده و کاهش اعتبار علمی را نیز در پی دارد.^۸

این گونه اشکالات اساسی در کارهای ارائه شده نیاز به کشف متون مشترک میان فریقین و تحقیق جدی آنها را همچنان نیازی محسوس می نمایاند، که پاسخ های علمی و

۷. *سلسلة الأحادیث المشتركة*، در بیش از هفده جلد، شاید مراجعه به برخی از عناوین، مانند *البشاشة في الأخلاق*، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۵ و بالاتر از آن، موضوع «تبیین» که در آن هیچ متن مشترکی موجود نیست، بلکه موضوعات و اسباب ورود آیه (سورة حجرات، آیه ۶) مرتبط را در پرتو دو ماجرای متفاوت بیان می کند؛ البته از این مصادیق در مجموعه های گوناگون بسیار است که با عناوین مختلف و در ابواب متعددی به زیورنشر آراسته شده است؛ هر چند در برخی عناوین متون مشترک نیز وجود دارد، اما اهتمام اصلی کاربر موضوعات مشترک است.

۸. چنان که مصادر واسطه مأخذ دهی شده است؛ منابعی مانند: *کنز العمال والدرالمشور* در مصادر اهل سنت و *تأویل الآيات الظاهرة و بحار الأنوار و سفينة البحار و وسائل الشيعة* و مستدرک آن در منابع شیعه که در حقیقت، به دلیل در دسترس بودن منابع اولیه این مصادر و امکان دستیابی به آن، ارجاع و اخذ از این مصادر اعتبار علمی کار را از بین می برد، اشکال جدی تر استناد به مصادر معاصر و تنظیمات جدید در ارائه نصوص است؛ مصادری مانند *نصرة النعميم، میزان الحکمة، نهج الفصاحة، جامع احادیث الشيعة* و... از مصادری است که در عصر حاضر به جمع آوری و تنظیم جدید متون حدیثی پرداخته اند و استناد به آنها برای چنین کاری به دور از دقت های علمی در ارجاع متون است، آنچه که به طور جدی تحقیق مصادر این گونه کارها را دچار چالش و اشکال می کند توجه مؤلفین آن، به وجود یک متن در مصادر معتبر و کوتاهی در دستیابی و تحقیق آن است، که در باب تحقیق مصادر امری نابخشودنی است و وجود تعبیری چون: «*نصرة النعميم نقلاً عن سنن النسائي*» گواه آن است. البته این اشکال منحصر به این گونه موارد نیست و نوع پیشرفته آن استفاده از مصدر واسطه و ارجاع به منابع غیر حدیثی است؛ چنان که تعبیری چون: «*نصرة النعميم نقلاً عن سيرة ابن هشام*» گویای عمق اشکال است.

عملی را به خود می خواند.

تبیین مفهوم متون مشترک

تبیین محتوا و تقسیم صحیح مراتب در بحث رکن اساسی و پایه در یک پژوهش علمی است، و بدون تبیین مراتب مختلف موضوع، پی جویی آن امری سخت و دیرپاب به نظر می رسد. بر همین پایه، تبیین مفهومی متون مشترک و نمایاندن گونه های مختلف آن در منابع فریقین را موضوع پژوهش خود قرار داده ایم.

در بررسی متون مشترک، یک نکته محوری و مهم رخ می نماید و آن توجه به این مهم است که متون مشترک الزاماً در فریقین به نبی مکرم اسلام ﷺ منتهی نمی گردد؛ چنان که در بسیاری از موارد این متون بدون رفع به نبی مکرم اسلام ﷺ ذکر شده است.^۹ در منابع شیعه احادیث بسیاری از ائمه علیهم السلام نقل شده و اشاره ای به نبوی بودن حدیث در ضمن متن نشده است، در حالی که منابع اهل سنت همان حدیث را از پیامبر اکرم ﷺ نقل نموده اند - که این خود مؤید روایات مسبوق الذکر مبنی بر تأکید اهل بیت علیهم السلام نسبت به پرهیز از رأی شخصی و نقل کلمات رسول اکرم ﷺ نیز محسوب می گردد؛ به عنوان نمونه:

عنه ﷺ: ما استرذل الله عبداً إلا حرمة العلم.^{۱۰}

همین روایت در منابع شیعه از امیر المؤمنین علیهم السلام نقل شده است.^{۱۱} و همچنین:

رسول الله ﷺ: اللهم أغنني بالعلم، وزيني بالحلم، وأكرمني بالتقوى، وجعلني بالعافية.^{۱۲}

همین روایت در منابع شیعه از امام صادق علیهم السلام نقل شده است.^{۱۳} و همچنین:

رسول الله ﷺ: إن لقمان قال لابنه: يا بني، عليك بمجالس العلماء، واستمع كلام

۹. تذکر این نکته ضروری است که این مطلب فقط گزارش شکل استنادات موجود در منابع حدیثی فریقین است.

۱۰. فردوس الاخبار، ج ۴، ص ۵۸، ح ۶۱۸۲.

۱۱. نهج البلاغة، ح ۲۸۸.

۱۲. العلم، ج ۱۹، ص ۳.

۱۳. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۷۲، ح ۲۳۲.

الحکماء، فإن الله يحيي القلب الميت بنور الحكمة كما يحيي الأرض الميتة بوابل المطر.

که در منابع اهل سنت از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده^{۱۴} و در منابع شیعه از امام کاظم ﷺ^{۱۵} وارد شده است.

از سوی دیگر، در بسیاری از موارد همان مطلب که از امامان شیعه: در مصادر شیعی وارد شده است، در منابع اهل سنت به عنوان قول صحابی آمده است؛ مانند این متن:

الإمام الصادق عليه السلام: كفى بخشية الله علماً، وكفى بالاعتزاز به جهلاً.^{۱۶}

که در منابع اهل سنت از ابن مسعود نقل شده است.^{۱۷}

بر پایه توجه به این مهم و تبیین صحیح مفهوم متن مشترک می توان گفت که برای دستیابی به اشتراکات متنی که نشأت گرفته از مصدری واحد، یعنی نبی مکرم اسلام ﷺ است، باید در دایره متون توسعه آشکاری قایل شد تا از گستردگی و شمول نتایج به دست آمده اطمینان حاصل شود. و این توسعه ناظر به افزودن اقوال و آثار صحابه در مجموعه متون مشترک و بررسی آن در ضمن این مجموعه خواهد بود که برای تأمین مقصود امری ضروری به نظر می رسد.

با توجه به این مطلب نصوص مشترک را در دو دو مرتبه می توان سازماندهی نمود:

الف: احادیث شامل: کلمات نبی مکرم اسلام ﷺ و آئمه اطهار علیهم السلام.

ب: آثار شامل: اقوال و نظرات صحابه و تابعین.

حال اگر ما این تبیین را در مفهوم متون مشترک که مبتنی بر توسعه در دایره شمول آن است بپذیریم، تعریف ما از متن حدیث یا متن مشترک حدیثی در این مقاله با معنایی که شهید ثانی در تعریف حدیث ارائه کرده است،^{۱۸} یعنی معنایی اعم از حدیث، خبر و اثر، همخوانی تام خواهد داشت.^{۱۹}

۱۴. المعجم الكبير، ج ۸، ج ۱۹۹، ص ۷۸۱۰.

۱۵. تحف العقول، ص ۳۹۳.

۱۶. همان، ص ۳۶۴.

۱۷. المعجم الكبير، ج ۹، ص ۱۸۹.

۱۸. «الخبر المرادف للحدیث، أعم من أن يكون قول الرسول ﷺ والإمام ﷺ، والصحابی، والتابعی، وغيرهم من العلماء والصلحاء ونحوهم، وفي معناه فعلهم وتقريرهم. هذا، هو الأشهر في الاستعمال، والأوفق لعموم معناه اللغوي» (الرعاية في علم الدراية، ص ۵۰).

۱۹. البته تذکر این نکته لازم است که اختلافات این اصطلاحات و نسبت آنها با یکدیگر در کتب مبسوط مرتبط با علوم حدیث مورد بحث و نقاش واقع شده است که طرح آن از حوصله این مقاله خارج است (رک: أصول الحديث، ص ۲۹).

مراتب اشتراک در میان نصوص

در میان نصوص و متون موجود در کتب حدیثی فریقین، شیعه و اهل سنت، متون مشترک بسیاری وجود دارد که بر اساس بررسی به عمل آمده، می‌توان مراتب تشکیکی و گروه‌های متعددی را برای ساماندهی آنها تعریف نموده و تبیین کرد.

توجه به رده‌بندی موضوعی مباحث و تفکیک حوزه‌های گوناگون بحث حدیثی و نسبت سنجی صحیح میزان تراکم نصوص به تناسب موضوعات در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که به عنوان نمونه، اشتراک یابی در میان متون فرهنگی و اخلاقی - که ناظر به آداب و سنن است - نسبت به امور پیچیده فقهی و کلامی شاید امری آسان‌تر به نظر برسد.^{۲۰}

شاید یکی از نکاتی که موجب تعجب پی‌جویان این دست از متون واقع شود، توزیع یکسان و فراوانی این مجموعه در تمامی گرایش‌های موضوعی است؛ چنان که می‌توان گفت به همان نسبت که در موضوعات مرتبط با آداب و سنن متون مشترک در فریقین رخ می‌نماید، به همان نسبت در مباحث فقهی و کلامی توزیع و فراوانی متون مشترک کاملاً مشهود است.^{۲۱}

بنا بر این، رده‌بندی موضوعی و تکاثر نصوص در برخی موضوعات نمی‌تواند همت اولیه این پژوهش را به خود معطوف دارد و نسبت سنجی صحیحی را در باب متون مشترک در اختیار ما قرار دهد.

شاید صحیح‌ترین راه و نزدیک‌ترین مسیر را در تقسیم متون مشترک بتوان از رهگذر نوع اشتراک و مراتب آن در منابع فریقین پی‌جویی نمود. در حقیقت، از آنجا که اشتراک، حیثیت پایه‌ای این پژوهش محسوب می‌گردد توجه به مراتب آن در منابع و گونه‌های مختلف آن می‌تواند صحیح‌ترین راه در تقسیم رده‌بندی متونی از این دست باشد و رده‌بندی موضوعی و مباحث دیگر به نوعی تابع این بحث قرار گیرد.

با این نگاه می‌توان گفت در بررسی و پالایش منابع فریقین نوع اشتراکات متون در الفاظ و مفاهیم در چهار دسته کلی رده‌بندی می‌شود:

- (۳۳).

۲۰. توجه اشتراکات میان ادیان و گونه‌های مختلف فرهنگی در سراسر دنیا با وجود اختلافات نژادی و منطقه‌ای و دینی مؤید این حقیقت است.

۲۱. رک: موسوعة العقائد الإسلامية؛ مدارک فقه اهل السنة علی نهج وسائل الشیعة.

الف) تطابق کامل لفظ و مفهوم

این دسته شامل متونی است که مفهوم واحدی را در الفاظ و عبارات یکسان بیان می‌دارد و در کتب معتبر فریقین وارد شده است؛ به این معنا که شیعه این متون را از طرق و اسانید شیعی خود، و اهل سنت نیز از طرق و اسانید سنی خود نقل کرده‌اند، و در ضبط و نقل متن و مفهوم همگون‌اند.

از این دست متون مشترک در کتب معتبر حدیث، چه کتب حدیثی شیعه و چه منابع حدیثی اهل سنت، بسیار است؛ چیزی که شاید برای کسانی که ارتباط مستقیم با منابع حدیثی ندارند و یا بی توجه از کنار آن می‌گذرند، امری اعجاب برانگیز باشد.

این گروه از نصوص مجموعه عظیمی است که در نگاه اجمالی به چشم نمی‌آید، اما در نگاه تیزبین پژوهشگران این حوزه امری آشنا و حقیقتی مشهود است و نه تنها در بحث‌های عمومی و اخلاقیات و اعتقادات، بلکه در فروع دقیق فقهی نیز مصادیق بسیاری برای این مجموعه وجود دارد؛ به عنوان نمونه: در باب چهارم از ابواب مقدمه عبادات کتاب *وسائل الشیعه* روایتی به نقل از کتاب *قرب الأسناد* آمده که با سند شیعی از امام صادق علیه السلام نقل می‌شود که این گونه است:

محمد بن علی بن الحسین باسناده، عن حماد بن عمرو، وأنس بن محمد، عن أبيه جميعاً، عن جعفر بن محمد، عن أبيه عن آبائه عليه السلام في وصية النبي ﷺ لعلي عليه السلام قال: يا علي، لا یتیم بعد احتلام.^{۲۲}

دقیقاً همین متن از طرق اهل سنت و در معتبرترین کتب احادیث فقهی ایشان وارد شده است:

حدثنا أحمد بن صالح، ثنا يحيى بن محمد المدني، ثنا عبد الله بن خالد بن سعيد بن أبي مریم، عن أبيه، عن سعيد بن عبد الرحمن بن يزيد بن رقيش، أنه سمع شيوخاً من بني عمرو بن عوف ومن خاله عبد الله بن أبي أحمد: قال علي بن أبي طالب: حفظت عن رسول الله ﷺ: لا یتیم بعد احتلام.^{۲۳}

و همین گونه است حدیث رفع - که در همین باب *وسائل الشیعه*، از کتاب *الخصال* و از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است و در منابع اهل سنت به نقل‌های مختلف از نبی مکرم اسلام ﷺ وارد شده است:

۲۲. *وسائل الشیعه* (آل البیت)، ج ۱، ص ۴۵، ح ۹۰۷۹.

۲۳. *سنن أبی داود*، ج ۱، ص ۶۵۷، ح ۲۸۷۳؛ *سنن البیهقی*، ج ۶، ص ۵۷.

حدثنا موسى بن إسماعيل، ثنا وهيب، عن خالد، عن أبي الضحى، عن علي بن أبي طالب عن النبي ﷺ: رفع القلم عن ثلاثة: عن النائم حتى يستيقظ، وعن الصبي حتى يحتلم، وعن المجنون حتى يعقل.^{٢٤}

همین روایت از طریق «عائشة^{٢٥}» و «أبي قتادة^{٢٦}» نیز از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است. از این دست متون می‌توان نمونه‌های متعدد از ابواب گوناگون فقهی ارائه نمود؛ چنان که در باب ٩٣ از ابواب «آداب الحمام...» روایت ذیل در وسائل الشیعه به نقل از الکافی وارد شده است:

علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: طيب النساء ما ظهر لونه وخفي ريحه، وطيب الرجال ما ظهر ريحه وخفي لونه.^{٢٧}

همین متن از طرق متعدد اهل سنت و در کتب معتبر حدیثی ایشان نقل شده است: حدثنا محمود بن غيلان، أخبرنا أبو داود الحفري، عن سفیان عن الجريري، عن أبي نضرة عن رجل، عن أبي هريرة، قال رسول الله ﷺ: طيب الرجال ما ظهر ريحه وخفي لونه، وطيب النساء ما ظهر لونه وخفي ريحه.^{٢٨}

این متن از طرق عمران بن حصین^{٢٩} و ابی موسی الأشعری^{٣٠} و ابی عثمان النهدي^{٣١} نیز از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است.

از این دست روایات بسیار است، و تحقیقاً حجم قابل توجهی از متون فقهی ما را این گونه متون مشترک تشکیل می‌دهند، و شاید بتوان ادعا نمود که بخش قابل توجهی از اهداف مورد نظر در تدوین احادیث فقهی را می‌توان با همین متون مشترک پاسخ

٢٤. سنن أبی داود، ج ٢، ص ٣٣٩، ح ٤٤٠٣؛ سنن الترمذی، ج ٢، ص ٤٣٨، ح ١٤٤٦؛ السنن الکبری للنسائی، ج ٤، ص ٣٢٤، ح ٧٣٤٦ و ح ٧٣٤٧؛ سنن البیهقی، ج ٣، ص ٨٣؛ ج ٤، ص ٣٢٥.

٢٥. سنن أبی داود، ج ٢، ص ٣٣٨، ح ٤٣٩٨؛ السنن الکبری للنسائی، ج ٣، ص ٣٦٠، ح ٥٦٢٥؛ سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٦٥٨، ح ٢٠٤١.

٢٦. المستدرک علی الصحیحین، ج ٤، ص ٣٨٩.

٢٧. الکافی، ج ٦، ص ٥١٢، ح ١٧؛ وسائل الشیعه (آل البيت)، ج ٢، ص ١٤٧، ح ١٧٦٢.

٢٨. سنن الترمذی، ج ٤، ص ١٩٥، ح ٢٩٣٨؛ سنن أبی داود، ج ١، ص ٤٨٢، ح ٢١٧٤ نحوه؛ سنن النسائی، ج ٨، ص ١٥١؛ سنن البیهقی، ج ٧، ص ١٩٤.

٢٩. سنن الترمذی، ج ٤، ص ١٩٥، ح ٢٩٤٠؛ المعجم الکبیر، ج ١٨، ص ١٤٧.

٣٠. المعجم الأوسط، ج ١، ص ٢١٥.

٣١. المصنف عبد الرزاق، ج ٤، ص ٣٢١، ح ٧٩٣٨.

داد و موارد اختلافی باقی مانده را نیز می‌توان بر محور همین متون مشترک سازماندهی نمود.^{۳۲}

ب) تطابق مفهوم همراه با اختلافات جزئی در عبارات

این دسته از نصوص، ملحق به دسته اول است؛ با این تفاوت که گاهی نقایص یا تفاوت‌هایی در نقل آنها موجود است؛ به عنوان مثال ممکن است در منابع یکی از فریقین کامل‌تر از دیگری باشد و یا بخش‌هایی از یک حدیث به صورت مشترک وارد شده باشد؛ مانند این دو متن:

الكافی: عن الإمام الصادق عليه السلام: كان رسول الله ﷺ إذا طعم عند أهل بيته، قال لهم: طعم عندكم الصائمون، وأكل عندكم الأبرار، وصلت عليكم الملائكة الأخيار.^{۳۳}

سنن ابن ماجه: عن عبد الله بن الزبير: أفطر رسول الله ﷺ عند سعد بن معاذ فقال: أفطر عندكم الصائمون، وأكل طعامكم الأبرار، وصلت عليكم الملائكة.^{۳۴}

نمونه دیگر از این دسته از متون: در کتاب صحیح البخاری، عائشه از پیامبر اکرم ﷺ این متن را نقل می‌کند:

حدثنا محمد بن أبي بكر، حدثنا معتمر، عن عبيد الله، عن سعيد بن أبي سعيد، عن أبي سلمة بن عبد الرحمن، عن عائشة: أن النبي ﷺ كان يحتجر حصيراً بالليل فيصلي ويبسطه بالنهار فيجلس عليه، فجعل الناس يثوبون إلى النبي ﷺ فيصلون بصلاته حتى كثروا فأقبل فقال: يا أيها الناس! خذوا من الأعمال ما تطيقون فإن الله لا يمل حتى تملوا وإن أحب الأعمال إلى الله ما دام وإن قل.^{۳۵}

بخش‌هایی از این متن در وسائل الشیعه، باب ۲۵ از ابواب مقدمه عبادات با اسناد شیعی به نقل کتاب الکافی از امام باقر عليه السلام آمده است:

أبو علي الأشعري، عن عيسى بن أيوب، عن علي بن مهزيار، عن فضالة بن أيوب، عن معاوية بن عمار، عن نجبة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: ما من شيء أحب إلى الله عز وجل من عمل يداوم عليه وإن قل.^{۳۶}

۳۲. تذکر این نکته ضروری است که این نسبت فقط گویای متونی است که لفظاً و مفهوماً مشترک اند؛ یعنی فقط یک بخش از مراتب چهارگانه متون مشترک، از مراتب دیگر نیز متون بسیاری در میان روایات شیعه موجود است.

۳۳. الکافی، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۰.

۳۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۵۶، ح ۱۷۴۷.

۳۵. صحیح البخاری، ج ۷، ص ۵۰؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۸ - ۱۸۹ و فی آخره: «كان آل محمد عليهم السلام إذا عملوا عملاً أثبتوه».

۳۶. الکافی، ج ۲، ص ۸۲، ح ۳؛ وسائل الشیعه (آل البيت)، ج ۱، ص ۹۴، ح ۲۲۲.

همان گونه که مشهود است، مقصود و محتوای واحدی در این گونه نصوص پی‌گیری می‌شود و ارکان و الفاظ متن واحد است و تنها اختلافات جزئی و کم و کاستی‌های تعبیر موجب تفاوت متون شده است.

ج) مفهوم واحد در قالب الفاظی متفاوت

حجم عظیمی از نصوص در مصادر شیعه و اهل سنت موجود است که مفهوم واحدی را نفیاً یا اثباتاً پی‌گیری می‌نماید، اما الفاظ متفاوتی را استخدام نموده است. البته کاملاً روشن است که این دسته از نصوص مراتب تشکیکی بسیاری را می‌تواند دربرگیرد. آنچه در این مقاله مقصود است، موارد باین و روشن بحث است؛ به گونه‌ای که نیاز به توضیح و تبیین نداشته باشد و خود متن با وجود تفاوت‌ها گویای یگانگی مطلب باشد. این گونه از نصوص در حقیقت مصداق اختلافات روات در نقل حدیث است؛ مانند این دو متن:

فضائل الأشهر الثلاثة: حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق، قال حدثنا أحمد بن محمد الهمداني، قال حدثنا علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن أبيه، عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام، عن أبيه موسى بن جعفر عليه السلام، عن أبيه الصادق جعفر بن محمد عليه السلام، عن أبيه الباقر عليه السلام، عن أبيه زين العابدين عليه السلام، عن أبيه سيد الشهداء الحسين بن علي عليه السلام، عن أبيه سيد الوصيين أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، عن رسول الله ﷺ في خطبة: ... فان الشقي من حرم من غفران الله في هذا الشهر العظيم.^{۳۷}

سنن الترمذي: حدثنا أحمد بن إبراهيم الدورقي، أخبرنا ربعي بن إبراهيم، عن عبد الرحمن بن إسحاق، عن سعيد بن أبي سعيد المقبري، عن أبي هريرة، قال رسول الله ﷺ: ... رغم أنف رجل دخل عليه رمضان ثم انسلخ قبل أن يغفر له.^{۳۸}

در این بخش از متون مشترک نیاز به تبیین دقیق بیش از دیگر گروه‌ها محسوس است.

د) متونی که به اشتراک گذاشته شده‌اند

در منابع حدیثی متون بسیاری موجود است که اگرچه از طریق یکی از فریقین وارد شده است، اما توسط فرقه دیگر نیز مورد بهره‌برداری و استفاده قرار گرفته و تصحیح شده است. این دسته از متون خود گویای تعامل مشترک فریقین و استفاده علمی مذاهب گوناگون

۳۷. فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۷۷.

۳۸. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۱۰، ح ۳۶۱۳.

از نتایج علمی یکدیگر است، مصادیق این مجموعه در آثار صدوق از کتب شیعه و بسیاری از منابع حدیثی اهل سنت به چشم می‌خورد، هرچند که جدای از آنچه عیان است نتایج پژوهشی ما نیز گویای کثرت و بسیاری این متون در کتب فریقین است. به عنوان نمونه روایت ذیل که در منابع معتبر اهل سنت وارد شده و از طریق آنها به ما رسیده است:

سنن أبي داود: حدثنا مسدد، أن بشر بن المفضل وخالد بن عبد الله حدثاهم، المعنى، عن خالد الحذاء، عن بركة، قال مسدد في حديث خالد بن عبد الله: عن بركة أبي الوليد ثم اتفقا عن ابن عباس، قال: رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله جالسا عند الركن، قال: فرفع بصره إلى السماء فضحك فقال: لعن الله اليهود - ثلاثا - إن الله حرم عليهم الشحوم فباعوها وأكلوا أثمانها، وإن الله إذا حرم على قوم أكل شيء حرم عليهم ثمنه.^{۳۹}

این روایت از طریق کتاب *عوالی اللئالی* به تعبیر مختلف وارد منابع روایی شیعه شده است:

عوالی اللئالی: قال صلى الله عليه وآله: لعن الله اليهود، حرمت عليهم الشحوم، فباعوها وأكلوا أثمانها. وإن الله تعالى، إذا حرم على قوم أكل شيء حرم عليهم ثمنه.^{۴۰}
عوالی اللئالی: قال النبي صلى الله عليه وآله: إن الله إذا حرم شيئا حرم ثمنه.^{۴۱}

نکته مهم و جالب توجه در خصوص این روایت آن است که این متن با وجود این که ظاهرا باید در شیعه غیر معتبر و مطرود محسوب گردد، اما به طور جدی مورد استفاده قرار گرفته است، نه فقط در مباحث عمومی، بلکه در بحث‌های دقیق فقهی و در کتب معتبر فقهای شیعه وارد شده و بحث‌های استدلالی بسیار جدی پیرامون آن شکل گرفته است.^{۴۲}

تحقیق موردی و تبیین میزان اشتراک

برای تبیین هرچه بیشتر میزان توزیع متون مشترک در منابع فریقین دو باب از ابواب کتاب شریف وسائل را به عنوان معیار قرار داده و به تبیین میزان توزیع متون مشترک در این

۳۹. سنن أبي داود، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۳۴۸۸؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۴۷؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۶، ص ۱۳؛ المصنف لابن

أبي شيبة، ج ۵، ص ۴۶، ح ۳.

۴۰. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۲۴۰.

۴۱. همان، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۳۰۱.

۴۲. کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۱۳.

دو باب می پردازیم.

نکات مهم در این تحقیق

با توجه به این که از یک سو برخی موضوعات موضوعات عام و کلی محسوب می شود و در مقابل، برخی موضوعات شامل فروع جزئی است، و از سوی دیگر، برخی ابواب و مفاهیم موجود در آنها مورد اتفاق فریقین است و برخی از موارد مباحث اختلافی و فروع مورد بحث در میان فریقین را در بر دارد، در این تحقیق موردی هر دو نکته را مورد اهتمام قرار داده ایم؛ چنان که از یک جهت باب فرائض خمس - که کلی ترین مباحث را در بر دارد - انتخاب شده و از جهت دیگر، بحث بلوغ - که هم ناظر به فروع جزئی است و هم از مباحث مورد اختلاف شیعه و اهل سنت است - در نظر گرفته شده است.

اما نتیجه این مقایسه و تحقیق موردی را می توان این گونه گزارش نمود:

در باب اول از مجموعه ابواب مقدمة العبادات^{۴۳} - که به تبیین فرائض اساسی و شاخص های پایه ای دین مبین اسلام می پردازد - صاحب وسائل^{۳۹} روایت جمع آوری نموده است. در این مجموعه بر اساس شکل توزیع مفاهیم در میان نصوص می توان گفت محورهای اصلی مورد تأکید شامل: صلاة، صوم، زکاة، حج، جهاد و ولایة است و محورهای فرعی آن شامل: شهادتین - که بخشی از مبحث ولایة محسوب می گردد -، امر به معروف و نهی از منکر - که زیر مجموعه جهاد قرار می گیرد -، صدقه - که زیر مجموعه زکات قرار می گیرد -، جماعه - که در حقیقت، بیان کننده روحیه و نوع گرایش در فرائض الهی است - و طاعة - که بیان کننده ضرورت التزام به این مجموعه است -.

با بررسی متون اهل سنت و قرار دادن هر دو مجموعه در یک فضای مشترک و تبیین نقاط افتراق می توان نتایج ذیل را استفاده نمود

- اول آن که از مجموعه ۳۹ روایت وسائل تنها ده روایت در محدوده نصوص مشترک قرار نمی گیرد^{۴۴} که این موارد نیز مغایرت و مخالفت اساسی با باقی متون ندارد و می تواند به

۴۳. وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۱، ص ۱۳ ب ۱؛ «بَابُ وَجُوبِ الْعِبَادَاتِ الْخَمْسِ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ».

۴۴. رک: صحیح البخاری، ج ۱، ص ۸ و ج ۵، ص ۱۵۷؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۴؛ المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۱۳۵؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۲۴ - ۱۲۵، ح ۲۷۴۹ و ج ۲، ص ۶۲، ح ۶۱۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۱۴، ح ۳۹۷۳؛ مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۲۳۱ و ص ۲۶۲ و ج ۴، ص ۲۸۶ و ج ۶، ص ۱۴۵؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۱ و ص ۹؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۰، ص ۴۲۶ - ۴۲۷؛ مسند أبی یعلی، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۵۲۳؛ المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۱۶۰؛ المصنف لعبد الرزاق، ج ۳، ص ۱۲۵، ح ۵۰۱۱ و ج ۵، ص ۱۷۳ - ۱۷۴، ح ۹۲۸۰؛ المصنف لابن أبی شیبة، ج ۴، ص ۶۰۰، ح ۵.

عنوان معاضدات نصوص محسوب گردد.

- دوم آن که اختلاف جدی در میان روایات شیعه و متون اهل سنت تنها در یک مورد از موارد چندگانه مذکور است که همان بحث ولایت است.

در بحث ولایت، با توجه به این که متون شیعی نیز در بر دارنده شهادتین به صورت مجزا است، می توان گفت که در حقیقت، در روایات شیعه یک عنوان، اضافه بر عناوین چندگانه مذکور در متون فریقین وجود دارد و منشأ اختلاف در عنوان افزوده است.

حال مسأله این است که آیا این عنوان افزوده عامل اختلاف متون می گردد و حوزه فقهی شیعه را از حوزه اهل تسنن جدا می سازد و از خصوصیات مذهب باید فرض شود که در آن بحث و توجیه راه ندارد؟ یا آنکه راه توجیه منطقی برای آن وجود دارد تا به وسیله آن به تبیین چرایی این اختلاف بپردازیم؟

نکته قابل توجه آن است که در خود مجموعه متون دو وجه برای حل این اختلاف و تبیین چرایی آن وارد شده است که قابل تأمل است:

- تبیین اول: در روایت فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام^{۴۵} آمده است که علت این مازاد و این عنوان جدید را ناظر به اقبال مردم و ادبار ایشان تحلیل می کند و می فرماید: «فأخذ الناس بأربع وتركوا هذه». پس توجیه اول در باب این اختلاف عدم اقبال مردم و بی توجهی ایشان به این عنوان است که موجب بروز این تفاوت شده است و خود عنوان از اساس وجود داشته اما مورد تغافل واقع شده است، از این رو، امام علیه السلام در مقام احیای آن است.

- تبیین دوم: در روایت سفیان بن السمط از امام صادق علیه السلام^{۴۶} آمده است که ولایت و معرفت این امر را شرط ایمان شمرده است و میان اسلام و ایمان مراتب تشکیکی برقرار نموده است؛ بویژه با استفاده از این نوع تعبیر که بسیار تأمل برانگیز است که می فرماید:

۴۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۳ و فیه: أبو علی الأشعری، عن الحسن بن علی الكوفي، عن عباس بن عام، عن أبان بن عثمان، عن فضیل بن یسار، عن أبي جعفر علیه السلام قال: «بنی الاسلام علی خمس: علی الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية ولم یناد بشئ کما نودی بالولاية، فأخذ الناس بأربع وتركوا هذه - یعنی الولاية -».

۴۶. الکافی، ج ۲، ص ۲۴، ح ۴: «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن علی بن الحکم، عن سفیان بن السمط قال: سأل رجل أبا عبد الله علیه السلام عن الاسلام والایمان، ما الفرق بينهما، فلم یجبه ثم سأله فلم یجبه ثم التقی فی الطريق وقد أزع من الرجل الرحیل، فقال له أبو عبد الله علیه السلام: كأنه قد أزع منك رحیل؟ فقال: نعم. فقال: فالتقی فی البیت، فلقیه فسأله عن الاسلام والایمان ما الفرق بينهما، فقال: الاسلام هو الظاهر الذی (علیه الناس): شهادة أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له وأن محمداً عبده ورسوله وإقام الصلاة وإیتاء الزكاة وحج البیت وصیام شهر رمضان فهذا الاسلام، وقال: الایمان معرفة هذا الامر مع هذا فان أقر بها ولم یعرف هذا الامر کان مسلماً وکان ضالاً».

الاسلام هو الظاهر الذی (علیه الناس)، لذا می توان گفت در حوزه مبانی اسلامی میان فریقین هیچ اختلافی در تشریعات پایه نیست، بلکه اختلاف در رتبه بالاتر آن یعنی ایمان است که ولایت شرط ورود به آن حوزه است

البته تمامی این نکات بعد از آن است که در نصوص اهل سنت نیز به ضرورت ولایت تصریح شده است؛ چنان که در متن منقول از ابن سیرین آمده است: «وتسمع وتطيع لمن ولی الله الامر».^{۴۷}

اما در باب چهارم از ابواب مقدمة العبادات^{۴۸} - که به تبیین اشتراط تکلیف به بلوغ و علائم آن می پردازد - از مجموعه دوازده روایت وارده در باب تنها دو روایت آن در محدوده متون مشترک حدیثی قرار نمی گیرد^{۴۹} که هر دو مربوط به سن بلوغ دختران است: یکی روایت یزید الکناسی از ابی جعفر^{۵۰} است - که بالغ شدن و رسیدن به نه سال را برای تکلیف دختران شرط می کند - و روایت دوم، روایت اسماعیل بن جعفر^{۵۱} است که به ازدواج پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} با عایشه می پردازد و سن عایشه را که ده سال بوده است، ملاک در بلوغ قرار داده است.

با دقت در مورد اختلاف، یعنی اعتبار سن خاص در تحقق بلوغ، می توان گفت که این مطلب نیز تعارضی با متون مشترک ندارد و با فرض تحقق حیض در سنین یاد شده و تقارن این دو با هم، معارضه تصور شده در باب این دو متن با متون مشترک - که ملاک را بر

۴۷. المصنف، ج ۱۱، ص ۳۳۰، ح ۲۰۶۸۳: «عن ابن سیرین: کان أبو بکر وعمر يأخذان علی من دخل فی الاسلام فیقولان تؤمن بالله، لا تشرك به شیئاً، وتصلی الصلاة التي افترض الله عليك لوقتها، فإن فی تفریطها الهلكة، وتؤدی زكاة مالک طيبة بها نفسک، وتصوم رمضان، وتحج البيت، وتسمع وتطيع لمن ولی الله الامر. قال: وزاد رجلاً مرة تعمل لله ولا تعمل للناس».

۴۸. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۲ ب ۴: «باب اشتراط التکلیف بالوجوب والتحریم بالاختلام أو الإنبات مطلقاً أو بلوغ الذکر خمس عشرة سنة والأثنی تسع سنین واستیجاب تمرین الأطفال علی العباداة قبل ذلک».

۴۹. رک: صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۵۸ - ۱۵۹؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳۰۲۹؛ سنن أبی داود، ج ۱، ص ۶۵۷، ح ۲۸۷۳؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۴۳۸، ح ۱۴۴۶؛ السنن الکبری للنسائی، ج ۳، ص ۳۶۰، ح ۵۶۲۵؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۳۸۹، المصنف لعبد الرزاق، ج ۹، ص ۸۱، ح ۱۶۴۲۴؛ سنن الداریمی، ج ۲، ص ۴۲۵ - ۴۲۶؛ مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۳۸۳؛ المصنف لابن أبی شیبة، ج ۷، ص ۳۰۰، ح ۴ و ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۱؛ سنن البیهقی، ج ۶، ص ۵۸.

۵۰. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۳، ح ۷۳ - ۳: «و بالإسناد عن ابن محبوب، عن أبی أيوب الخزاز، عن یزید الکناسی، عن أبی جعفر^{علیه السلام} قال: الجارية إذا بلغت تسع سنین ذهب عنها الیثم - وزوجت وأقیمت علیها الحدود الثامنة لها...».

۵۱. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۴، ح ۷۵ - ۵: «وعن علی بن إبراہیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس، عن أبی أيوب الخزاز، عن إسماعیل بن جعفر فی حدیث أن رسول الله^{صلی الله علیه و آله} دخل بعائشة - وهی بنت عشر سنین - ولیس یدخل بالجارية حتی تكون امرأة».

حیض قرار داده‌اند - مرتفع می‌گردد.

از سوی دیگر، روایت عمار سبابی از ابی عبد الله علیه السلام - که رسیدن به سیزده سال را برای بلوغ دختر و پسر به عنوان ملاک بیان می‌کند - این امر را مشروط به عدم تحقق احتلام یا حیض قبل از سیزده سال می‌داند. بنا بر این، می‌توان روایت عمار سبابی را مؤید وجه جمع میان ملاک قرار دادن حیض و تعیین سن مشخص برای تحقق بلوغ دانست.

براین پایه متون مربوط به تعیین سن و زمان مشخص برای بلوغ تعارضی با متون مشترک ندارد. و در مورد باقی علائم بلوغ - که شامل احتلام، انبات، رسیدن پسران به پانزده سال و حیض است - متون فریقین مشترک و مورد اتفاق است.

بنا بر این، می‌توان به راحتی کشف نمود که هم در مبانی و پایه‌های اندیشه‌ای فریقین و هم در فروعات جزئی حتی در مسائل اختلافی هم درصد و نسبت متون مشترکی که در اختیار فریقین است، بسیار بیشتر از میزان متون اختلافی است. توجه به این امر نقطه عطف مهمی در اندیشه‌ها و رویکردهای معاصر حوزه اندیشه‌ای دین مبین اسلام خواهد بود و منشأ تأثیر گذاری در همگرایی اندیشه‌های مسلمین خواهد شد.

آثار و نتایج علمی پی جویی متون مشترک

پی جویی و کشف متون مشترک در میان منابع حدیثی فریقین آثار و ثمرات بسیاری را در پی خواهد داشت که از یک سو موجب شکوفایی مباحث و تقارب اندیشه‌ها خواهد شد و از سوی دیگر، فرصت‌های معاصر را برای اندیشمندان حوزه‌های گوناگون دین فراهم می‌نماید تا با بحث و قلم زنی در این حوزه‌ها اسباب پیشبرد اهداف مشترک اسلامی را مهیا سازند.

به طور خلاصه ثمرات جدی بررسی متون مشترک را این گونه می‌توان ترسیم نمود:

۱. تبیین اشتراکات حدیثی موجود در میان منابع فریقین که موجب تقارب مبانی اندیشه اسلامی در میان مذاهب می‌گردد؛

۲. اتقان در اثبات صدور احادیث؛ این از آن روست که منابع حدیثی در فضای مخالفت و تقابل فریقین و تفرقه افکنی حکام ظالم و دشمنان دین در میان شیعه و سنی شکل گرفته است. با فهم دقیق و نگاه مبنایی نسبت به این تقابل، وجود متون مشترک در منابع حدیثی، به جد موجب اطمینان مخاطب از قطعیت صدور این دسته از متون خواهد شد و نیاز به بحث سندی در مورد این دسته از متون منتفی تلقی گردیده و عدم

اتقان اسناد نمی‌تواند آسیبی به این اطمینان وارد کند.

۳. تعیین مراتب برای نصوص و پایه قرار دادن نصوص مشترک برای مباحث علمی و ارجاع فروع اختلافی به این اصول؛ در توضیح آن می‌توان اشاره نمود که با توجه به حجم زیاد نصوص مشترک در منابع حدیثی فریقین و در صد بالای اطمینان‌آوری آنها می‌توان از این نصوص به عنوان مبانی پایه در اندیشه حدیثی بهره برد و اختلافات موجود در فروع را با توجه به این مبانی مشترک جهت دهی نمود.

۴. رد نصوص دال بر مفاهیم اختلافی میان فریقین بر نصوص مشترک و داوری در مورد آنها بر اساس نصوص مشترک و تعیین میزان اعتبار بسیاری از نصوص بر این پایه؛ از نیازهای بسیار مهم معاصر در مباحث حدیثی، کشف یا تعیین مراتب نصوص و متون دینی است. با توجه به میزان اعتبار متون مشترک و جایگاه آنها در مجموعه متون دینی می‌توان این متون را به عنوان شاخص‌های اساسی در تعیین مراتب نصوص تعریف کرده و بر پایه آنها به رده‌بندی متون دینی اقدام نمود، که به حق این نقطه می‌تواند نقطه آغاز صحیحی برای این امر مهم محسوب گردد.

۵. کشف طرق موثق در میان فریقین بر اساس نصوص مشترک که موجب گسترش حوزه بحث رجالی شده و پایه‌ای اساسی برای بحث از رجال مشترک محسوب می‌گردد؛ با بررسی سندی و تفکیک اسناد متون مشترک می‌توان طرقی را که بیشترین موارد نقل مشترک را دارا هستند؛ یعنی طرقی که بیشترین نصوص قطعی را در بر دارد، به عنوان اسانید و رجال معتبر تعریف نمود که فضایی فراتر از نگاه مذهبی در توثیق رجال در اختیار ما قرار خواهند داد. البته به نظر می‌رسد که نیاز به تکثر تعداد نصوص مشترک در یک طریق و رجال یک سند در حد دو یا سه مورد نص مشترک کفایت لازم را برای توثیق مجموعه رجال آن سند دارا باشد.

۶. افزایش حوزه متون و نصوص شرعی؛ با توجه به توثیق طرقی که از آنها چندین متن مشترک موجود است، می‌توان از متون غیر مشترک این طرق نیز استفاده نمود که موجب افزایش دایره نصوص می‌گردد. با توجه به توسعه توثیق رجال اسناد نصوص مشترک می‌توان از نصوص غیر مشترک یک طریق معتبر نیز استفاده نمود که این خود دایره نصوص مورد وثوق و اطمینان را تا حد بسیاری افزایش داده و موجب توسعه مباحث اندیشه‌ای می‌گردد.

۷. مستند سازی مباحث تقریب بر اساس متون حدیثی که در کنار قرآن کریم دومین پایه اساسی اندیشه اسلامی در تمامی حوزه‌های فکری دین است؛

۸. فضا سازی مناسب برای هم اندیشی دینی و جهت دهی فضاها تبلیغی؛
 ۹. پاسخ واقعی و عملی به بسیاری از شبهات عقایدی در خصوص عدم التزام شیعه به سنت نبوی و جدایی شیعه از فرق اسلامی و... چنان که در بسیاری از موارد نظریات شیعه تطابق کامل با اجماع صحابه دارد و در مواردی اگر چه با اجماع صحابه همخوانی نداشته است، اما در میان صحابه قایل دارد.^{۵۲}
 البته روشن است که بحث از هر یک از این ثمرات و راهکارهای دستیابی به آنها و همچنین تبیین مبانی بحث در این حوزه ها نیاز به بحث های تفصیلی بسیار دارد که از حوصله این مقال خارج است، اما فضای بحث و اندیشه همیشه بر اندیشمندان مسیر حق گشوده و روشن است.

کتابنامه

- الإخوان، ابن أبی الدنيا، تحقیق: محمد عبد الرحمن طوالبه بإشراف نجم عبد الرحمن خلف، دار الإعتصام.
- الأمالی، الشيخ الطوسي، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية، قم، دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ق.
- الأمالی، الشيخ الصدوق، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية، قم، مركز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ق.
- أصول الحديث، الدكتور عبد الهادی الفضلی، مؤسسة أم القرى للتحقیق والنشر - بیروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ذی القعدة ۱۴۲۱ق.
- تحف العقول، ابن شعبة الحرانی، تصحیح وتعلیق: علی أكبر الغفاری، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۴ق/ ۱۳۶۳ش.
- تهذیب الأحکام، الشيخ الطوسي، تحقیق وتعلیق: السيد حسن الموسوی الخراسانی، طهران، دار الکتب الإسلامية، الطبعة: الثالثة، ۱۳۶۴ش.
- الخصال، الشيخ الصدوق، تصحیح وتعلیق: علی أكبر الغفاری، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة، ۱۸ ذی القعدة الحرام ۱۴۰۳ق/ ۱۳۶۲ش.
- خلاصة الأقوال، العلامة الحلی، تحقیق: الشيخ جواد القیومی، مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة:

۵۲. رک: موسوعة نصوص أهل السنة على نهج وسائل الشيعة.

- الأولی، عید الغدير ۱۴۱۷ق.
- دعائم الإسلام، القاضي النعمان المغربي، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، دار المعارف، القاهرة، ۱۳۸۳ق / ۱۹۶۳م.
- رجال ابن الغضائري، أحمد بن الحسين الغضائري الواسطي البغدادي، تحقيق: السيد محمد رضا الجلالی، قم، دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق / ۱۳۸۰ش.
- رجال النجاشي، النجاشي، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶ق.
- الرعاية في علم الدراية، الشهيد الثاني، تحقيق: عبد الحسين محمد علي بقال، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي - قم المقدسة، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۸ق.
- سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد القزويني، تحقيق وترقيم وتعليق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- سنن أبي داود، ابن الأشعث السجستاني، تحقيق وتعليق: سعيد محمد اللحام، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م.
- سنن الترمذي، الترمذي، تحقيق وتصحيح: عبد الوهاب عبد اللطيف، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- سنن الدارمي، عبد الله بن بهرام الدارمي، مطبعة الاعتدال، دمشق، ۱۳۴۹ق.
- السنن الكبرى، النسائي، تحقيق: عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن، دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م.
- السنن الكبرى، البيهقي، دار الفكر.
- سير أعلام النبلاء، الذهبي، إشراف وتخريج: شعيب الأرناؤوط / تحقيق: حسين الأسد، مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: التاسعة، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۳م.
- صحيح ابن حبان، ابن حبان، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م.
- صحيح البخاري، البخاري، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م.
- صحيح مسلم، مسلم النيسابوري، دار الفكر - بيروت - لبنان.
- علل الشرايع، الشيخ الصدوق، تقديم: السيد محمد صادق بحر العلوم، منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها، النجف الأشرف، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۶م.
- عوالي اللئالي، ابن أبي جمهور الأحسائي، تقديم: السيد شهاب الدين النجفي المرعشي /

- تحقيق: الحاج آقا مجتبی العراقي، سيد الشهداء - قم، الطبعة: الاولى، ١٤٠٣ق/ ١٩٨٣م.
- فضائل الأشهر الثلاثة، الشيخ الصدوق، تحقيق وإخراج: ميرزا غلام رضا عرفانيان، دار المحجة البيضاء للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ١٤١٢ق/ ١٩٩٢م.
- الفهرست، الشيخ الطوسي، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، مؤسسة النشر الإسلامي / مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة الأولى، ١٤١٧ق.
- قرب الأسناد، الحميري القمي، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، الطبعة الأولى، ١٤١٣ق.
- الكافي، ثقة الاسلام أبي جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي، تصحيح وتعليق: على أكبر الغفاري، تهران، دارالكتب الإسلامية، الطبعة: الخامسة، ١٣٦٣ش.
- كتاب المكاسب، الشيخ الأنصاري، تحقيق: لجنة تحقيق تراث الشيخ الأعظم، المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاري، قم، الطبعة: الاولى، جمادى الأول ١٤١٥ق.
- المحاسن، أحمد بن محمد بن خالد البرقي، تصحيح وتعليق: السيد جلال الدين الحسيني (المحدث)، دارالكتب الإسلامية، طهران، ١٣٧٠ق/ ١٣٣٠ش.
- المجازات النبوية، الشريف الرضي، تحقيق وشرح: طه محمد الزيتي، منشورات مكتبة بصيرتي، قم.
- المستدرک على الصحيحين، الحاكم النيسابوري، إشراف: يوسف عبد الرحمن المرعشلي.
- مسند/ أحمد، أحمد بن حنبل، دار صادر - بيروت - لبنان.
- مسند أبي يعلى، أبو يعلى الموصلي، تحقيق: حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث.
- مسند الشاميين، الطبراني، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة الثانية، ١٤١٧ق/ ١٩٩٦م.
- المصنف، ابن أبي شيبة الكوفي، حقيق وتعليق: سعيد اللحام، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، الطبعة الاولى، جماد الآخرة ١٤٠٩ق/ ١٩٨٩م.
- المصنف، عبد الرزاق الصنعاني، عنى بتحقيق نصوصه وتخريج أحاديثه والتعليق عليه الشيخ المحدث حبيب الرحمن الأعظمي.
- المعجم الأوسط، الطبراني، تحقيق: قسم التحقيق بدار الحرمين، دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥ق/ ١٩٩٥م.

- المعجم الكبير، الطبرانی، تحقیق وتخریج: حمدی عبد المجید السلفی، دار إحياء التراث العربی، الطبعة: الثانية.
- من لا یحضره الفقیه، الشیخ الصدوق، تصحیح وتعلیق: علی أكبر الغفاری، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة.
- نهج البلاغة، الشیخ محمد عبده، دار الذخائر - قم - ایران، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش.
- وسائل الشيعة (آل البيت)، الحر العاملي، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ق.